

حفاظت کتابخانه از خطرات آتش سوزی

نوشته 'جان موریس'
ترجمه 'مظفرالدین محلاتی'

داشتند که بعضاً به صورت انفرادی و یا تیمهای دو، سه و یا چهار نفره انجام شده بود. طیف سنی این افراد از یازده تا بیست و شش سال بوده و زنی که مرتکب چنین عملی گردیده فقط هفده سال داشته است. سه مورد آتش سوزی دیگری اتفاق افتاد که مسبب آنها مورد سوءظن قرار گرفته، ولی دستگیر نشدند. این افراد گروهی بودند که «نوجوانان» نام داشته و از بین آنان دو مرد در حال فرار دیده شده بودند. دو کارمند مسؤلیت آتش سوزیها را به عهده گرفتند.

سرقت و دزدی ظاهراً انگیزه و محرک دو یا سه حریق بوده است، اما خرابکاری غیر عمدی و اتفاقی تقریباً در کلیه موارد دیده شده بود. دریا پنجره ای باز بوده و خرابکار به قصد دزدی داخل گردیده و قبل از خروج مبادرت به ایجاد حریق کرده است. یک مورد آتش سوزی دیگر در نیوروجل توسط فردی صورت گرفت که شیشه عقب ساختمان را شکست و با پرتاب مواد آتش زا به درون ساختمان باعث آتش سوزی گردید.

شش مورد از سی و دو مورد آتش سوزی، زمان عودت دادن کتاب به کتابخانه صورت پذیرفته بود. در کتابخانه پایونیر در دلتای کلمبیا هنگام روز بمب آتش زایی کار گذاشته شد که از باروت و بنزین ساخته شده بود، ولی این در حالی بود که کتابخانه تعطیل بوده است. عملیات مذکور محوطه داخل کتابخانه را از بین برد و چنانچه کتابخانه باز بود می توانست تلفات جانی مهلکی به دنبال داشته باشد. این نوع اعمال

آمار ناخوشایند درباره آتش سوزی کتابخانه ها، توجه و مراعات اصولی در برنامه ریزی و پیش گیری در امر حفاظت این نهاد را موجب می شود. منشأ و مبدأ بیش از هفتاد درصد آتش سوزی در کتابخانه ها آتش افروزی عمدی می باشد. سایر موارد صرفاً به دلایل عملکرد غلط دستگاهها و سیستمهای تولید گرمایش، معضلات و مشکلات در سیستمهای مکانیکی و الکتریکی و عملیات و اقدامات مقاطعه کاران و یا بروز رعد و برق است.

در مقطعی از زمان، بین سالهای ۷۲-۱۹۶۶ به لحاظ مسائل سیاسی و عملیات ضد دولتی و ناراحتیهای سیاسی، واکنشهایی به صورت آتش سوزی در کتابخانه ها بروز داده می شد. اما بعدها مواردی از آتش سوزی ملاحظه شد که هیچگونه قصد و غرض خاصی در کار نبوده و صرفاً به خاطر تعارض و تعدی بچه ها و یا افرادی که تمایل به سرقت و یا خرابکاریهای نابخردانه داشتند به وقوع می پیوست.

آتش سوزیهای کتابخانه ای در سالهای ۸۰-۱۹۷۲

در بررسی آتش سوزی سی و دو کتابخانه، که بین سالهای ۱۹۷۲ تا ۱۹۸۰ به وقوع پیوست، آمار و اطلاعات جالبی به دست آمد. از این سی و دو مورد نصف آن منجر به شناسایی افرادی گردید که از روی عمد ایجاد حریق کرده بودند. در این راستا، سی و یک زن در شانزده مورد آتش سوزی دست

کتابخانه‌ها تلقی گردیده است، تا آنجا که کلیه حریقهای ساختمانهای دیگر نیز بدین منوال صورت پذیرفته است. از زمان این بررسی، گزارش سایرین هم کورکورانه در همین راستا بوده و کشیدن سیگار را عامل اصلی آتش سوزی دانسته‌اند. در این خصوص دلایل و مدارک ناچیزی وجود دارد. جدول شرح وقایع آتش سوزی براساس تاریخ وقوع آنها از سال ۱۹۵۰ تا ۱۹۶۲ که دربرگیرنده گزارش فوق می‌باشد، نشان می‌دهد که ۸۵ مورد آتش سوزی از ۸۸ فقره حریق بدون علت (۶۶ درصد) بوده و به طور منطقی می‌توان چنین استنباط کرد که نه فقط شش مورد تشخیص داده شده از نوع آتش افروز بوده، بلکه کلاً تعداد معتابهی از آتش سوزیها از این نوع تلقی گردیده‌اند.

جلوگیری از خرابکاری و ایجاد حریق

اصولی‌ترین راه بهبود فیزیکی هر کتابخانه در هر شکل و اندازه این است که برای جلوگیری از خرابکاری و آتش سوزی الزامی بایستی درها و پنجره‌ها بخصوص آنهایی که در پشت یا کنارهای ساختمان وجود داشته و غیر قابل دید از توی خیابان هستند، تقویت شوند تا از ورود غیر مجاز افراد جلوگیری گردد. راه دیگر بهبود، ایجاد و تعبیه یک سیستم شناسایی افراد مزاحم است که با دستکاری در یا پنجره قصد ورود به ساختمان داشته و این سیستم با ارسال علائمی به مرکز کنترل مانع ورود آنان شود. از این مهمتر برخورداری از یک ایستگاه مرکزی است که بتواند اطلاعات را به طور سریع به پلیس مخابره نماید. در بعضی کتابخانه‌ها هنگام بروز حادثه، فقط آژیر خطر به کار می‌افتد که این عمل باعث می‌گردد شخص خاطی متوجه شده و مورد هشدار قرار گیرد. این سیستم از ارزش زیادی برخوردار نمی‌باشد.

سیستم دیگری که می‌تواند در موقع بروز آتش سوزیهای مختلف، کتابخانه یا هر ساختمان دیگری را از خطر مصون بدارد، سیستم کشف خودکار (اتوماتیک) است که تمام قسمتهای ساختمان را زیر پوشش قرار می‌دهد. این سیستم به وجود آتش، از طریق دود یا گرمای آن پی می‌برد. دستگاههای کشف خودکار از طریق حرارت به این صورت عمل می‌کند که به طور اتوماتیک در درجه حرارت معینی کار کرده و به مجرد افزایش حرارت معین، اعلام خبیر می‌کند. دستگاه تشخیص دهنده دود یکی از چندین راه را برای مطلع کردن از دود یا حاصل احتراقها به کار می‌برند، به این معنی که به مجرد بروز دود و توسعه آتش، صدا ایجاد می‌کنند و این در صورتی است که

وحشیانه نیاز به نبوغ خاصی ندارد، چنانچه شاهد انداختن کبریتی در کرس کالیفرنیا بودیم که باعث دویست هزار دلار خسارت گردید. اخیراً آتش سوزیهای مخرب دیگری ناشی از عودت دادن کتاب به کتابخانه در جاهایی نظیر واشنگتن، اورگان، کالیفرنیا، مریلند، تنسی، ایندیانا، ویرجیانا و تگزاس روی داده است. در بررسیهای به عمل آمده مشخص گردیده است که ایجاد حریق در کتابخانه‌ها نه تنها در شب، بلکه در روز نیز صورت گرفته است. از سی و دو مورد آتش سوزی، هشت مورد آن بین ساعتهای ده صبح تا هفت بعدازظهر واقع شده بودند. فقط در سه مورد از این آتش سوزیها مامورین اطفای حریق قادر به حمایت و کمک گردیدند و در سایر موارد نسبت به قضیه کاملاً بیگانه می‌نمودند. کتابداران مرجع در مورد بهبود امر حفاظت و نگهداری از کتابخانه پیشنهادها و نظریاتی ارائه داده‌اند که به قرار زیر است:

۱. بررسی مجدد و پیوسته نسبت به خط مشی بیمه‌های آتش سوزی، به منظور حصول اطمینان از کفایت آنها.
۲. بیمه نمودن کتب در امر جایگزینی آنها و توجه به این مسأله که ممکن است اغلب کتب تاریخ محلی منحصر به فرد بوده و نوعاً غیر قابل جایگزینی باشند.
۳. ایجاد اماکنی مناسب جهت عودت دادن کتاب در خارج از کتابخانه و بسته نگاهداشتن همه قسمتهایی که امکان برگشت دادن کتاب را از داخل به کتابخانه میسر می‌سازد.
۴. ایجاد سیستمهای بازرسی جهت شناسایی مزاحمین و سیستمهای آب پاش جهت اطفای حریق.
۵. نگهداری زمان و تاریخ بایگانی دقیق از کلیه مذاکرات و مکالمات با مسؤولین بیمه به منظور آمادگی کامل بیمه‌گر به هنگام وقوع حادثه و پرداخت خسارت.
۶. چنانچه اقدامات پیش گیری کننده منتج به شکست شده و آتش سوزی باعث خسارات مهلکی گردد در این صورت لازم است که در مدت تعمیر و بازسازی کتابخانه، خدمات مربوطه تعطیل گردد.

حال چنین می‌توان استنباط کرد که وقوع آتش سوزی در کتابخانه‌ها در گذشته می‌توانسته احتمالاً ناشی از نقص سیستمهای الکتریکی و یا کشیدن سیگار، بدون رعایت مسائل ایمنی، بوده و کلاً آنها را از نوع آتش سوزیهای آتش افروز دانست. زیرا تقریباً محال است که وقوع آتش سوزی از نه درصد در سال ۱۹۶۳ به هفتاد درصد در سال ۱۹۷۲ افزایش یافته و صرفاً آتش سوزی محض باشد. چنانچه در گزارش سال ۱۹۶۳ عنوان شده، کشیدن سیگار علت شماره یک آتش سوزی در



این آتش غیر از آتشی ناشی از احتراقهای عمدی باشد. سیستم به صدا درآمدن آژیر می‌تواند در طول روز کارکنان را از بروز آتش مطلع سازد. در نیمه‌های شب فقط یک ایستگاه مرکزی می‌تواند اداره آتش‌نشانی را خبر کند. گرچه ارزش آنها تا اندازه‌ای منوط به عکس‌العمل آنها در مقابل ایستگاه مرکزی است، ولی این سیستمها زمانی می‌تواند مفید قرار گیرد که اولاً خوب نصب شود و ثانیاً خوب نگهداری شود.

سیستمهای آب پاش

سیستمهای فرونشانی خودکار، بویژه سیستم آب پاش، به صورت گسترده‌ای در کتابخانه‌ها در حال استفاده و به کارگیری هستند. اغلب کتابخانه‌های جدید و بزرگ به این سیستم مجهز می‌باشند. کتابداران سنتی استفاده از سیستمهای آب پاش را در کتابخانه خطرناکتر و بدتر از آتش دانسته و نسبت به داشتن آن از خود مقاومت نشان داده‌اند و بر این باورند که ضرر آب به مراتب بیش از آتش بوده و وجود لوله‌های آب پاش در قفسه‌های کتابخانه، خاصه زمانی که از آتش خبری نیست، امکان تخریب را زیاد می‌کند.

این دسته از کتابداران سیستمهای کشف‌کننده خودکار را برای کتابخانه ترجیح داده‌اند. هر چند از این طریق ممکن است تاخیری در امر ریختن آب بر روی آتش صورت گیرد، ولی سیستمی است پذیرفته شده که در شرایط ایده‌آل این تاخیر ممکن است فقط چند دقیقه باشد. اما چنانچه هرگونه اشکالی در برقراری ارتباط با اداره آتش‌نشانی باشد و یا این اداره، همزمان در جای دیگری مشغول اطفای حریق باشد، آتش به سرعت گسترش پیدا کرده و مامورین آتش‌نشانی ممکن است به لوله‌های آب پاش فوق‌العاده قوی متوسل شوند که خود موجب از بین رفتن کتابهای زیادی می‌شود.

نمونه بارز این آتش‌سوزی در کتابخانه کلین لا در فیلادلفیا در سال ۱۹۷۲ رخ داد که به خاطر تاخیر مامورین آتش‌نشانی و وسعت دامنه آتش مجبور شدند که در هر دقیقه یازده هزار گالون آب بر روی کتابهای کتابخانه بریزند که در نتیجه آن کل مجموعه کتابخانه به انضمام کتب مربوطه به حقوق انگلیسی و آمریکا و همچنین مقالات بنیامین فرانکلین از آب پوشانده شود. پس اگر کتابخانه مجهز به سیستم آب پاش می‌بود، چنین رویدادی رخ نمی‌داد.

سیستم اساسی و اصولی لوله خیس، که به دلیل بودن آب در لوله بدین نام شناخته شده است، شبکه‌ای از مقادیری لوله با دهانکها و سرآب پاشهایی هستند و طوری تنظیم یافته‌اند که از فواصل معین آب لازم را در کلیه سطوح خالی می‌نمایند. اما این

دهانکها (سرآب پاشها) فقط یک مرتبه به نوبت باز می‌شوند و با باز شدن دو یا سه تایی آنها مقادیر معتدله‌ای آتش خاموش می‌شود. در یک بررسی، این نتیجه به دست آمد که چهل و سه درصد کل آتش‌سوزی یک کتابخانه فقط با یک سرآب پاش، اطفاء شد و چنانچه می‌خواستیم تا هفتاد درصد مطلوب واقع شود، بیش از دوسه سرآب پاش ضروری می‌نمود. از هر سرآب پاش، که به صورت فواره چترمانندی است، در هر دقیقه حدود بیست گالون آب پخش می‌شود.

در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ سیستم باز و بسته شدن دهانه لوله آب پاش رواج و توسعه پیدا کرد؛ به این صورت که در اثر بروز آتش این دهانه‌ها باز می‌شود و به مجرد اطفای حریق از کار باز می‌ایستاد و آسیبهای ناشی از آب را تقلیل می‌داد. حتی قبل از این سیستم، سیستمی مورد استفاده قرار می‌گرفت که با داشتن دریچه و یا سوپاپی میزان خروج آب را کنترل می‌کرد. این سیستم به این صورت طراحی شده است که دریچه سوپاپ روی مخزن جریان آب را کنترل کرده و به مجرد بروز آتش و اطلاع از آن باز شده و اجازه می‌دهد که آب به درون لوله‌های خالی راه یابد. عمل دیگر این سیستم، بسته شدن دریچه سوپاپ مخزن آب است که به مجرد خاموش شدن آتش، انجام می‌گیرد. این سیستم مورد قبول بعضی از کتابداران قرار گرفته است؛ چون به طور معمول و در شرایط عادی لوله‌ها خالی بوده و فقط زمانی که دستگاه کشف‌کننده وجود دود یا آتش را حس کرده، آب به درون لوله‌ها راه می‌یابد و طبقاً در این حالت، سیستم اساساً به صورت یک سیستم استاندارد لوله خیس عمل می‌نماید.

استفاده از گازهای خاموش‌کننده آتش در کتابخانه، به منظور حفاظت از کتابهای نادر و باارزش و مجموعه‌های اختصاصی، طرفداران زیادی دارد. زیرا که منجر به خیس شدن و خراب شدن کتابها نگردیده و اثرات شیمیایی از خود باقی نمی‌گذارد. اولین گاز مورد استفاده، گاز دی‌اکسید کربن بود که با تراکم شدن آن در فضا قابلیت اطفای حریق را به محیط می‌داد و آتش خاموش می‌شد. استفاده از این گاز به علت اینکه محیط را برای انسان خطرناک می‌ساخت، مورد محدودیت قرار گرفت؛ زیرا خروج افراد در محلی که از این گاز استفاده می‌گردید می‌بایستی قبل از خروج خود گاز صورت می‌گرفت.

گاز هالون ۱۳۰۱، با دارا بودن خصوصیات گاز دی‌اکسید کربن و عدم ایجاد محیط خطرناک برای افراد، به جای دی‌اکسید کربن به کار گرفته شده و در ضمن جادادن ظروف محتوای این

محیطهای غیر لازم و نامناسب باز کند، اما بد نیست به تجارب کتابخانه‌ها در مورد حوادث ناشی از ویرانیهای آب اشاره کنیم. در یک بررسی معلوم شد که سال ۱۹۶۳، صد و پنجاه و سه کتابخانه اعلام کرده‌اند که جمعاً دو بیست و پنجاه و هفت مورد آسیبهایی وارده از آب ناشی گردیده است که البته تعداد کمی از اینها به علت عملیات اداره آتش‌نشانی بوده و بقیه در ارتباط با نشت آب، لوله‌های بخار، عملیات ساختمانی، بارندگی زیاد، چکه‌های پشت بام، سیل، عیوب سیستم تخلیه آب و فاضلاب می‌باشد. به هر حال مقدار معتدبایی آب ناخواسته در کتابخانه‌ها از طریق منابع مختلف وجود دارد. مهمترین منشأ، غیر از سیل، ممکن است عملیات اداره آتش‌نشانی باشد و نتیجتاً همه مسائل حول این محور است که آیا حقیقتاً وجود یک سیستم آب پاش خودکار در کتابخانه الزامی است یا خیر؟

چنانچه شرایط محیطی مطلوب را در نظر بگیریم، یک سیستم هشداردهنده قابل اطمینان به طور اتوماتیک، وجود گرما، دود یا مواد آتش‌زایا حس کرده و وقوع آتش را از طریق آژیر به ایستگاه مرکزی و نهایتاً اداره آتش‌نشانی مخابره می‌کند و مامورین آتش‌نشانی در محل حادثه حاضر شده و سریعاً اطفای آتش صورت می‌گیرد. این سیستم در بعضی مواد نارساییهایی هم دارد که ناشی از طرح اولیه غلط آن است یا اینکه به طور اصولی نصب نگردیده و یا وسایل آن روز آمد نبوده است. نمونه دیگری که می‌توان در اینجا از آن یاد کرد، وجود بمب آتش‌زاست که با وجود دخالت سریع مامورین آتش‌نشانی مع الاسف بی‌فایده بوده است. همان طوری که مأمورین آتش‌نشانی واقفند، پنج دقیقه اول آتش سوزی بسیار حساس و بحرانی است. طبیعی است که اگر متوجه شوند دهانه سیستم آب پاش باز شده و بمب آتش‌زای تقریباً مهار کرده است، باعث خوشحالی آنان گردیده و در عین حال فرصت مناسبی ایجاد شده تا خود را به محل حادثه برسانند.

بهترین راه حل این مشکل در کتابخانه‌ها احتمالاً تلفیق سیستم کشف خودکار و سیستم آب پاش خودکار می‌باشد. با تلفیق این دو، اداره آتش‌نشانی سریعاً از تجمع دود در محل آگاه می‌گردد و قبل از اینکه دهانه آب پاش به طور خودکار باز شده و آب بروی کتابها بریزد، وارد ساختمان کتابخانه می‌گردد و دست به کار می‌شود. برعکس، اگر شخص مزاحم و مخربی بمب آتش‌زایی را به درون سالن نشریات کتابخانه بیندازد و متعاقب آن، آتش فضا را سریعاً پراکند، یک یا دو دهانه آب پاش، باز گردیده و قبل از

گاز در انبار نیاز به فضای کمتری پیدا می‌کند. متراکم شدن پنج درصد از این گاز در هوا ایجاد فضایی می‌نماید که مانع سوختن گردیده و افراد می‌توانند دوام آورده و از ترس خفگی مجبور به فرار نشوند. این نکته مهمی است؛ گو اینکه در هر حادثه مهلک و ترسناکی، مساله فرار از محل حادثه، ولو به صورت موقت، امری طبیعی است. گاز هالون ۱۳۰۱ در حال حاضر فقط در چند مکان مورد استفاده قرار می‌گیرد که کارش حفاظت از کل ساختمان است. این اماکن عبارتند از: مانت ورنون، موزه ویترو تورو کتابخانه پوزی در دانشگاه هاروارد.

با توجه به اینکه گاز هالون قابلیت سرعت عمل داشته و آتش را ظرف چند ثانیه خاموش می‌نماید، جای خود را در اماکنی که مجموعه‌های کمیاب نگهداری می‌شود، باز کرده و اثراتی نیز باقی نمی‌گذارد. اما به هر حال امکان نارسایی احتمالی وجود دارد و آن زمانی است که مدت زمان اطفای حریق محدود نمی‌باشد. در این وضعیت کلیه درها و پنجره‌ها می‌بایستی بسته مانده و سیستم تهویه هوا برای مدت کوتاهی از کار افتاده تا از اتمام حادثه مطمئن گردید. هزینه این ماده که برای هر پاوند چندین دلار تمام می‌شود، بسیار سنگین بوده و مانع می‌شود که ساختمانهای بزرگ با فضاهای باز خود بتوانند از آن بهره گیرند.

سیستم آب پاش در قفسه‌های کتاب

با اطمینان می‌توان اظهار کرد که تقریباً کلیه کتابداران در استفاده از گاز هالون ۱۳۰۱ جهت حفظ و حراست از مجموعه‌های کتب کمیاب اتفاق نظر دارند. اما در امر فرونشانی آتش در کل کتابخانه نوعاً توافق کمتری وجود دارد. به هر حال در اکثر کتابخانه‌های جدید، در سالهای اخیر سیستم آب پاش خودکار، بجز اماکنی که کتب نادر نگهداری می‌شود، نصب و راه‌اندازی شده است. به عنوان مثال می‌توان از کتابخانه‌های بسیار بزرگ و جدید کشور سعودی، کتابخانه کنگره واقع در ساختمان جیمز مدیسون، کتابخانه متروپولیتن تورنتو، کتابخانه حقوق دانشگاه مینوسوتا و کتابخانه حقوق دانشگاه استانفورد و برخی از کتابخانه‌های موجود، مانند مرلند، رانگروز، برکلی، استانفورد یاد کرد که مجهز به سیستم آب پاش خودکار هستند.

این مساله را نمی‌توان انکار کرد که در رشته کتابداری، بعضاً کتابدارانی وجود دارند که هنوز به عقیده خود نسبت به حفاظت کتب از طریق سیستم آب پاش خودکار باقی مانده‌اند. علی‌رغم اینکه نظر بعضی کتابداران دیگر مخالف با این سیستم است و حرفشان این است که لوله‌های آب معمولاً پر از آب بوده و آب ماده‌ای است شناخته شده که می‌تواند بر احوالی جای خود را در

بارهاربور ایالت مین در سال ۱۹۸۳ گردید. آمار مشابه‌ای در خصوص آتش‌سوزی و خرابکاری در همهٔ امور در یک جلسهٔ جلوگیری از آتش‌افروزی مورد بحث قرار گرفته بود. صنعت بیمه، خرابکاری را دلیل شماره یک آتش‌سوزی قلمداد می‌نماید. با توجه به اینکه ۵۳/۲ درصد کلیهٔ آتش‌سوزیها به این دلیل بوده است، اما این رقم به مراتب بیشتر از رقم دلیل دوم است که تقلب در امور بیمه محسوب می‌شود.

سه پیشرفت نسبتاً جدید در خصوص خطر آتش‌سوزی کتابخانه‌ها می‌بایستی توضیح داده شود: یکی قابلیت و امکان نجات کتب مرطوب در مراکز مختلف است و دوم روشهای پیشرفته خشک کردن توسط سیستمهای وکیوم می‌باشد. این دو پیشرفت باعث گردیده که تا اندازه‌ای ترس کتابداران از پاشیدن آب بر روی کتابها کم شود و در حقیقت، رطوبت در حین جریان، باعث می‌شود که سایر کتب نسوزد. مورد سوم به کارگیری از سیستم انبارهای فشرده در کتابخانه‌های بزرگ است. مهندسین اطفای حریق قبول دارند که این سیستم خواهان حفاظت کتابخانه از طریق سیستم آب پاش خودکار می‌باشد. این ویژگی برای تجهیزات نصب شده در زیرزمینها بسیار واقع بینانه می‌باشد.

نتایج

کتابخانه‌ها توسط افراد خرابکار به آتش کشیده می‌شوند. آتش‌سوزیهایی که به علل دیگر به وقوع می‌پیوندند، تعدادشان ناچیز است. در اثر پیشرفتهای فیزیکی ساده، حتی در موقع تنزل بودجه، خطر آتش‌سوزی می‌تواند به مقدار معتنابهی کاهش یابد. مجهز بودن به سیستمهای حفاظتی خودکار باعث می‌شود که ورود افراد بیگانه، نفوذ آب، آتش یا دود مستقیماً به ایستگاه مرکزی اطلاع داده شود. سیستم آب پاش خودکار بر دیگر سیستمها در رابطه با تشخیص آتش دارای مزیت خاصی است. زیرا به مسجرد بروز آتش، بر روی آنها آب ریخته می‌شود و همزمان ادارهٔ آتش‌نشانی را مطلع می‌سازد. بعضی از کتابخانه‌ها مجهز به بیش از یک سیستم اطفای حریق می‌باشند و اغلب از سیستم حفاظتی گاز هالون ۱۳۰۱ برای مجموعه‌های اختصاصی خود استفاده می‌نمایند. پیشنهاد نهایی این است که به لحاظ جلوگیری از آتش، اگر نحوهٔ عودت دادن کتاب به کتابخانه اصولی طرح‌ریزی نشده باشد، استقبال از یک مصیبت است.

اینکه مأمورین آتش‌نشانی به محل حادثه برسند از پیشرفت حریق جلوگیری به عمل می‌آید. این عمل بخصوص زمانی باعث خشنودی می‌شود که مأمورین در جای دیگری هم درگیر بوده و مشغول اطفای حریق باشند. باید به خاطر داشت که سیستم آب پاش خودکار اگر درست طرح‌ریزی شده باشد در موقع بروز حریق، علامتی را به ایستگاه مرکزی مخابره می‌کند که پس از ارسال این علامت، مأمورین آتش‌نشانی جهت قطع جریان آب به محل، فراخوانده می‌شوند و این اقدام زمانی موفقیت‌آمیز است که آتش تحت کنترل درآمده و اقدامات بعدی، یعنی نجات جان افراد و زدودن دود و حفاظت مجموعه تحقق پذیرد. بعضی اوقات، یعنی زمانی که بحث از شایستگی سیستمهای آب پاش می‌شود، ویژگی علامت جریان آب (علامتی که به ایستگاه مرکزی ارسال می‌گردد) مورد اغماض قرار می‌گیرد.

فقط شرایط محیطی کتابخانه‌ای که در آن حریق رخ داده است می‌تواند تعیین کند که آیا سیستم کشف خودکار به تنهایی یا سیستم آب پاش به تنهایی برای مبارزه با آتش‌سوزی کافی است یا خیر. بهره‌گیری از هر دو سیستم می‌تواند دفاعی نیرومند حتی در مقابل خسارتهای ناچیز باشد. کتابخانه‌های عمومی و دانشگاهی بزرگ به منظور حفاظت از مجموعه‌های خود از این سیستم دوگانه استفاده می‌نمایند.

افزایش آتش‌سوزیهای عمدی در کتابخانه‌ها

تجارب آتش‌سوزی در کتابخانه‌ها بین سالهای ۱۹۷۸ تا ۱۹۸۳ میزان افزایش حوادث ناشی از حریقهای عمدی را تایید کرد. گرچه جمع‌آوری اطلاعات در مورد آتش‌سوزیهای کتابخانه‌ای کار آسانی نیست، مع الوصف در این مدت شاهد سی و چهار آتش‌سوزی بوده‌ایم که عمدی بوده و شش مورد دیگر دلایل دیگری داشته است. یک عملیات ساختمانی مقاطعه کاری در بایگانی فیلم ملی در مرلند در سال ۱۹۷۸ منجر به یک مصیبت و بدبختی گردید. رعد و برقی در اسکات ویل ویرجینیا در سال ۱۹۸۰ یک کتابخانه را به طور کامل سوزاند. در سال ۱۹۸۰ شهر پرت در انتاریو کتابخانهٔ خود را از دست داد. این آتش‌سوزی به خاطر این بود که آتش در محل زندگی مراقب کتابخانه ایجاد شده بود. به همین ترتیب سه مورد آتش‌سوزی دیگر به علت نارسایی و عیوب سیستم برقی به وقوع پیوسته بود.

در همین دوره، ۲۸ مورد آتش‌سوزی (۸۲ درصد) مشاهده شده است که شامل سوختن موزه و کتابخانه فضایی شهر سن دیه گو در سال ۱۹۷۸، کتابخانهٔ محلی هالیوود در سال ۱۹۸۲ و حریقی که منجر به از بین رفتن کتابخانهٔ دانشکده اتلانتیک در